پرتال جامع علوم انسانی

# "نمایش‌های سنتی و شاخصه‌های منحصربه‌فرد آنها در بوشهر"

جهانشیر یاراحمدی
پژوهشگر تئاتر

## چکیده

**جنوب سرزمین غریب، شگفت و پرآیینی است، سرزمینی که شگفتی‌اش ریشه در جغرافیای محدودی دارد که در آن عده‌ای دل در گرو خاک دارند و با باد، زمین و درخت سخن می‌گویند و باورها و اعتقادات‌شان آیین‌های بیابانی را موجب شده است. عده‌ای دیگر اما دل در گرو دریا دارند و با آب و «آبی‌ها» گپ می‌زنند و آواز می‌خوانند و باورهای‌شان موجب زایش آیین‌های دریایی گشته است.**

**انسان جنوبی از سپیده‌دم نخستین تاریخ با این آیین‌ها زیسته، نفس کشیده و این زندگی توأمان «فرهنگی خاص» را برایش رقم زده است.**

**به همین سبب نمایش‌های سنتی برآمده، از دل این فرهنگ خاص شاخصه‌های قومی، بومی و اقلیمی دارند. این مقاله تلاش می کند ضمن بررسی کلی آیین‌ها در استان بوشهر ویژگی‌های نمایش‌های سنتی این استان را مورد مطالعه قرار دهد.**

**کلید واژگان: آیین، قوم، اقلیم، نمایش.**

## مقدمه

بشر در آغاز حیات، ذهنیات و برداشت‌های خود را از محیط پیرامون و حوادث آن در قالب مراسم گوناگون به نمایش می‌گذاشت و نمایش تنها راه ارتباط او با نیروهای فوق طبیعی بود، بنابراین انسان بر اساس باور و اعتقاد نخستین، تلاش می‌کرد تا توجه و حمایت آن نیروهای فراطبیعی را که به آن ایمان داشت به خود جلب نماید. پس او ـ انسان ـ خود را وادار کرد تا اعمال نمایشی خود را به شکل و شیوه‌های متفاوتی ارائه دهد. این شکل‌ها و شیوه‌ها به مرور زمان تکرار شدند و صیقل یافتند تا به آیین بدل شدند. پس از آن «آیین‌ها» چون حکمی قطعی مورد توجه همگان قرار گرفت و انسان‌ها، به عنوان شکل و شیوه‌ای مشخص و تثبیت شده به آن پرداختند.

پرداختن به این آیین‌ها و مراسم از سویی نشان آن بود که بشر به نیروی برتر از خود «ایمان» داشته و از سوی دیگر بشر به آن نیروها «نیازمند» است.
«آیین‌ها چنان چه دوام یابند و ارزش و قابلیت سازگاری یابند به «سنت» تبدیل می‌شوند و سپس استحکام و بقا خود را حفظ خواهند کرد و دیگر طبق روال و قاعده ادامه خواهند یافت»[1].
برخی از این آیین‌ها، بنیادشان صرفاً بر اسطوره‌ها و پنداشت‌های افسانه‌ای است و برخی دگر بنای‌شان بر واقعه‌ها و رخدادهای تاریخی.
«آیین‌های مبتنی بر اسطوره، یک شکل نمایشی از پندارهای ذهن ابتدایی در جامعه‌ها، تفسیر و تعبیر عینی و عملی اندیشه‌های سازنده این پندارهاست؛ در صورتی که آیین‌های مبتنی بر واقعه‌های تاریخی شکل نمایشی رفتارهایی هستند که در بیرون از ذهن و پندار مردم و در حیات تاریخی ـ اجتماعی جامعه رخ داده‌اند و مردم در آن رویدادها شرکت داشته، یا شاهد آن بوده‌اند»[2].
روشن است بخشی عظیم از آیین‌ها بر اساس پندارهای ذهن ابتدایی بشر به وجود آمده‌اند، آیین‌هایی که متأسفانه تغییر روند زندگی انسان‌ها روز به روز موجب فراموشی آنها می‌شود و بخش اندکی از آنها را نیز پندارهای بیرون از ذهن طول در حیات تاریخی و اجتماعی بشر پدید آورده‌اند. برجسته‌ترین آیینی که بر اساس رویدادهای تاریخی و اجتماعی بنا شد «شبیه‌خوانی» است که تغییر مذاق انسان‌ها آن را از شکل اولیه‌اش دور کرده، اما به سبب قداست خاص مذهبی‌اش هرگز از بین نرفته است.
آیین‌ها وقتی به سنت بدل شدند با افسانه‌ها، باورها و فرهنگ عامه درآمیخته و شاخصه‌های قومی و بومی را به خود گرفته‌اند.
امروزه آن چه زیر مجموعه نمایش‌های سنتی در ایران قلمداد می‌شود، در سراسر کشور نام و نشانی مشابه دارند و تنها تفاوت آنها، شکل اجرایی آنهاست که ریشه در تأثیر فرهنگ عامه آن دیار بر نمایش‌ها دارد. در نوشته حاضر ضمن بررسی نمایش‌های سنتی استان بوشهر شاخصه‌های منحصر به فرد آنها را یادآور می‌شویم.

## ـ بوشهر سرزمینی پرآیین

استان بوشهر به لحاظ جغرافیایی در آغوش «دریا» و در دامن «بیابان» قرار گرفته است. بخشی از مردمانش دل در گرو «آب» دارند و برخی دیگر دل در گرو «خاک». از صبحدم نخست تاریخ مردم این سامان برای زنده ماندن به جدال با طبیعت پرداخته‌اند، عده‌ای به ستیز با دریا برخاسته، عده‌ای پنجه در «خاک» کرده‌اند.
آنها که به ستیز با دریا رفته بودند خود را در مقابل عظمت آن کوچک دیدند، به ناچار دست به دامان نیروهای فوق طبیعی شدند، آنها با دریا و آب گپ زدند، گپ‌ها آواز شد، آوازها آهنگین، دست‌ها به آسمان رفت. هوا را شکافت، بدن‌ها به حرکت درآمد، حرکات موزون شد، باورها به میان آمد، اعتقاد آوازها را محکم کرد و سرانجام دریا «رحیم شد»، هر چه داشت به انسان‌ها داد و بدین سان «نیازها» با تکیه بر «ایمان» برآورده شد و این گونه «آیین‌های دریایی» پدیدار گشت.
«آیین‌های دریایی» که ریشه در پندارهای ذهنی مردمان جنوب دارد در طول زمان به خاطر امرار معاش و ستیز همیشگی مردم این سامان با دریا کمتر دچار تغییر و تحول شده‌اند و هنوز هم در عصر آهن و تکنولوژی زنده هستند و هنوز هم جنوبیان با عشق و ایمان با آنها زندگی می‌کنند.
اما بخشی دیگر از مردم استان بوشهر که در دامن «بیابانند»؛ آنها نیز برای زنده ماندن و زندگی کردن «پنجه» در خاک کردند. آنها نیز دل خاک را جوییدند، با بیابان، با دشت با کوه، با باد سخن گفتند. سخنان را آواز کردند،

آوازها را دسته‌جمعی پایکوبی کردند، کاشت و برداشت، آوازهای بخصوص به خود گرفت و این گونه مردم به هر سوی بیابان که می‌رفتند با طبیعت سخن می‌گفتند با درخت، با باد و ... بدینسان «آیین‌های بیابانی» شکل گرفت، آیین‌هایی که متأسفانه با پیشرفت تکنولوژی و دوری انسان از کارهای کشاورزی روز به روز کم‌رنگ‌تر می‌شود. در کنار آیین‌های دریایی و بیابانی، آیین‌های دیگری نیز هستند که علیرغم همگانی بودن آنها در ایران زمین، باز هم شاخصه‌های قومی و بومی دارند. تولد، ازدواج، تدفین، خواستگاری، رقص‌ها، درمان‌ها و ... از مهم‌ترین این آیین‌ها به شمار می‌روند.

بررسی و مطالعه کلی آیین‌ها در استان بوشهر نشان می‌دهد دلیل شکل‌گیری آنها در این سامان شرایط خاص اقلیمی، محیط زیست و شکل و شیوه زندگی آدم‌هاست، شرایطی که نمونه آن را در کمتر نقطه‌ای می‌توان یافت. همه این عوامل و شرایط ریشه در «نیاز» انسان جنوبی و مهم‌تر از آن، سادگی، صداقت و ایمانی است که تنها ثروت مردم جنوب به شمار می‌رود.

## ـ آیین‌های برجسته

در میان آیین‌های بی‌شماری که مردم جنوب در درازنای تاریخ با آنها زیسته و می‌زی‌اند، آیین‌های سوگ به لحاظ فرم و شکل اجرایی برجسته‌تر از سایر آیین‌ها دیده می‌شوند. این آیین‌ها ضمن داشتن ساختار اجرایی قدرتمند، گستره بیشتری در جنوب دارند چرا که به شدت با اعتقادات و باورهای مذهبی جنوبیان گره خورده‌اند. هر چند آیین‌ها سوگ در مرگ عزیزان از دست رفته شکل و شمایل خاص و منحصر به فردی دارد اما آیین‌های سوگ مربوط به سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) به دلیل حضور گسترده و همگانی مردم رنگ و بویی دیگر دارد.

هرچند می‌توان بارزترین دلیل اجرای قدرتمند آیین‌های سوگ در این دیار را گره خوردن آن با ایمان و اعتقادات مذهبی مربوط دانست اما نکته دیگری که نمی‌توان از آن به سادگی گذشت، نزدیکی این نقطه از کشور با تمدن بین‌النهرین است. می‌دانیم که «آیین سوگ یک آیین بین‌النهرینی است. یعنی آیین‌های سوگ از این نقطه آغاز شده‌اند.»[۴] و بعید نیست که این فاصله نزدیک موجب این تأثیر شگرف شده باشد. برای این فرضیه چند دلیل می‌توان بیان کرد:

الف) اول این که بررسی مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که شباهت‌های فراوانی است میان آن چه در ادبیات شفاهی جنوب؛ مثلاً منمنداس، یا دی‌زنگر و .. با آن چه در تمدن بین‌النهرین مثلاً چیزی شبیه «آل» وجود دارد.

ب) تمام نقاطی که در حد فاصل بین تمدن بین‌النهرین تا بوشهر امروزی قرار دارند بر خلاف سایر نقاط دیگر آیین‌های سوگ بسیار قوی دارند. مثل آیین‌های سوگ اقوام مختلف در استان خوزستان از جمله اقوام بختیاری که می‌تواند نتیجه این تأثیر باشد.

ج) «این‌ها نتیجه تأثیرهایی است که ما از فرهنگ آن سوی بین‌النهرین داشتیم که احتمالاً از سمت جنوب خلیج فارس است، چون معمولاً فرهنگ‌ها در مناطق مرزی با هم تداخل‌هایی دارند.»[۵]

نکته مهم دیگر درباره آیین‌های سوگ در استان بوشهر، نقش مهم زنان در برگزاری

این آیین‌هاست. زن جنوبی که همواره همپای مردش برای زندگی تلاش می‌کند در برگزاری آیین‌ها نیز از او عقب نمی‌ماند. اگر در جامعه جنوب مردان همه ـ کوچک و بزرگ ـ در برگزاری آیین‌های سوگ به نوعی دخیل هستند، زنان نیز در جای دیگر آیین‌های ویژه خود را دارند. آیین‌هایی که به لحاظ ساختاری، اجرای آنها نه تنها کمتر از آیین سوگ مردان نیست بلکه در بعضی جهات قوی‌تر بروز می‌نماید.
مختگ‌گردانی، عزای سرپایی، روضه‌خوانی زنانه، سینه‌زنی زنانه، آیین‌های سوگ ویژه زنان در بوشهر است. اما زن جنوبی در اوج آیین سوگ در روز عاشورا و با حضور در میدان تعزیه و شبیه‌خوانی نقش‌های زنان نشان می‌دهد که همواره همدوش و همپای مردان گام برمی‌دارد.

### ـ تعزیه (شبیه‌خوانی)

تعزیه، در ادبیات ملل، خصوصاً در میان مسلمانان نواحی مختلف، معانی و مفاهیم گوناگون دارد. «تعزیت، سوگ و عزا، همدردی با عزاداران و برپا داشتن مجلس مفاهیم کلی تعزیه در مفهوم لغوی آن هستند. اما مفهوم اصطلاحی آن در حقیقت اطلاق آن به «نمایش واقعه تاریخی ـ مذهبی» از سویی و «تابوت‌واره یا انگاره و شبیه گور و ضریح شهیدان و امام حسین (ع)» از دیگر سوست».
در ایران، مفهوم نخست اصطلاحی این واژه کارکرد بیشتری دارد و مورد قبول توده مردم نیز هست، هر چند مفهوم دوم اصطلاحی آن در آغاز پیدایش تعزیه کارکرد بیشتری داشته است.
با توجه به خاستگاه نخستین تعزیه ـ سوگ سیاوش، یادگار زریران، آیین مصایب میترا ـ در سرزمین ما به عنوان یک «آیین ـ نمایش» از آن یاد می‌شود و به طور کلی می‌توان آن را این گونه تعریف کرد:
«... تعزیه رفتاری است آیینی ـ نمایشی که با ساخت و پرداختی تاریخی ـ دینی ریشه در رفتارها و مناسک آیینی کهن ایرانی دوانده و مایه از اسطوره‌ها و داستان‌های ایرانی گرفته است...»[۶]
با دقت نظر در تعریف فوق می‌توان به این نکته دست یافت که «تعزیه» پیوند ناگسستنی میان تاریخ، دین و آیین است. این پیوند بیش از اسلام میان این سه ایجاد شده و به شکل غریبی با پندارهای مردم و باورهای آنها گره خورده؛ و به همین دلیل است که می‌توان تعزیه‌خوانی (شبیه‌خوانی) را هنری دینی قلمداد کرد.
«شبیه‌خوانی هنری دینی است و هنر دینی، هنری است که در ذیل دین محقق شده باشد. هنری که قالب و صورتی دینی نیز داشته باشد. هنری که نتیجه تاریخی تقرب انسان به حقیقت مطلق است و این هنر، هنری است که مستقیماً در کنار مناسک یک دین شکل می‌گیرد و با آیین‌ها مرتبط است...»[۷]
استان بوشهر، همچون سایر نقاط کشور از دیرباز این نمایش سنتی را تجربه کرده است. بررسی سیر تاریخی تعزیه در استان بوشهر نشانگر این نکته است که عمر تعزیه در این

دیار برابر با عمر این نمایش در کشور است. با توجه به اسناد به دست آمده تا امروز دوران زندیه نقطه آغاز شکل‌گیری تعزیه در ایران به شمار می‌رود. هر چند دوران صفویه را به دلایل متعدد مقدمه‌ای جدی برای شکل‌گیری آن می‌دانند و عده‌ای با توجه به شمایل‌نگاری‌ها و دیوارنگاری‌ها دوران صفویه را سرآغاز شکل‌گیری تعزیه در این دوره می‌دانند اما اسناد به جا مانده این نکته را تأیید نمی‌کند و ما دوره زندیه را به سبب وجود اسناد مکتوب به عنوان سرآغاز تعزیه می‌شناسیم.

نکته قابل توجه آن که کهن‌ترین سند تعزیه ایران مربوط به استان بوشهر است. این سند مربوط به سفرنامه کارستون نیبور، سیاح آلمانی است که در سال ۱۷۹۵ م. در جزیره خارک شرح مفصل و کاملی از تعزیه روز عاشورا را که در این جزیره دیده، نگاشته است، اگر چه نیبور به دلیل عدم آشنایی‌اش با اشخاص، وقایع و قصه اشتباهات فاحشی در گزارشش انجام داده است.

نکته قابل تأمل آن که علیرغم کهن بودن این سند بسیاری از پژوهشگران این عرصه، این سند را نادیده می‌انگارند و یا به شکل گذرا از آن یاد می‌کنند و گفته‌های فرانکلین را که ۲۲ سال بعد از نیبور یعنی در سال ۱۷۸۷ م. مربوط به مجلسی در شیراز را به عنوان قدیمی‌ترین سند تعزیه ایران می‌دانند.

پس از دوره زندیه، در دوره قاجاریه در بوشهر و بیشترین نقاط استان تعزیه اجرا شده است. شکل اجرایی تعزیه در بوشهر در آغاز به همان شکلی است که بهرام بیضایی در کتاب «نمایش در ایران» آورده:

«... ابتدا تنها دسته‌هایی بوده‌اند که به کندی از برابر تماشاچیان می‌گذشتند و با سینه زدن و زنجیر زدن و کوبیدن سنج و نظایر آن، و حمل نشانه‌ها و علم‌هایی که بی‌شباهت به افزارهای جنگی نبود و نیز هم‌آوازی و همسرایی در خواندن نوحه، ماجرای کربلا را به مردم یادآوری می‌کردند. در مرحله بعد آوازهای دسته‌جمعی کمتر شد و نشانه‌ها بیشتر، یکی دو واقعه‌خوان ماجرای کربلا را برای تماشاگران نقل می‌کردند و سنج و طبل و نوحه آنها را همراهی می‌کرده است. چندی بعد به جای نقالان، شبیه چند تن از شهدا را به مردم نشان دادند که با شبیه‌سازی و سال‌های نزدیک به واقعیت می‌آمدند و مصایب خود را شرح می‌دادند. مرحله بعد گفت و شنید شبیه‌ها بود با هم و بعد پیدایش بازیگران...»[۸].

در بوشهر نیز تعزیه چنین روندی را طی کرده است:

«... در قدیم تعزیه به شکل امروزی نبوده است که شبیه‌خوانان با هم مکالمه و گفت‌وگو کنند و اصولاً نسخه‌ای وجود نداشته و بیشتر به دسته‌گردانی شبیه بود، مثلاً ذوالجناح و حجله قاسم درست می‌کردند و بعد از مراسم سینه‌زنی در عاشورا در میدان می‌گرداندند. بعدها شعرهایی اضافه شد که در هنگام گرداندن دسته‌ها در میدان گفت‌وگوی کوتاهی میان امام حسین (ع) و شمر انجام می‌گرفت»[۹].

ایرج صغیری از تعزیه‌گردانان قدیمی بوشهر درباره چگونگی اجرای تعزیه در آغاز در بوشهر با دیگران هم عقیده است و اضافه می‌کند، تعزیه آغازین بوشهر را «کتلی» یا «کتل در آوردن» می‌گفتند و در میان توده به این نام‌ها شهرت داشت.

کتل Kota واژه‌ای ترکی مغولی «به معنی «اسب جنیبت» باشد و آن اسبی است زین کرده که پیش سلاطین و امرا برند» و «دسته‌ای از اسبان که در مراسم عزاداری با هیأت و آرایشی مخصوص حرکت کنند» ... و (در غیر معنی واژه ترکی) به معنی علم که قسمت فوقانی آن را به پیراهن بی‌آستین مانندی بپوشند همانند تکیه و متکایی که بر چوبی نصب شده باشد و همراه علامت بیرق در مراسم عزاداری حرکت دهند...»[۱۰] و به همین سبب است که شکل آغازین اجرای تعزیه در بوشهر به «کتل در آوردن» یا «کتلی» مشهور است.

«مراسم کتلی» در دل عزاداری امام حسین (ع) در دهه محرم (عاشورا) قرار دارد. در این مراسم آرایش و نحوه قرار گرفتن آدم‌ها و اشیاء که از اعماق تاریخ به دوران معاصر رسیده، خود میزانسنی درخشان است.

«ذوالجناح» در این مراسم سمبل نوعی ابزار بیان است تا از ورای آن ما به مظلومیت شهادت هفتاد و دو تن وصل شویم. آرایش و تزیین ذوالجناح یک هنر مردم فهم است. اشیایی که برای تزیین پیشانی و گردن اسب ذوالجناح به کار می‌رود در کمال زیبایی، وجود این اسب را از هر حیوان دیگر مستثنا می‌سازد. بر پشت ذوالجناح پارچه‌ای سفید و خونین افکنده‌اند که روی آن پیکارهای زهرآگین دوخته شده است و گاه مشاهده می‌گردد که شال سبزی نیز بر آن می‌اندازند تا یاد سالار شهیدان را زنده نگه دارد. با پدیدار شدن ذوالجناح، ناگهان قصه‌های شورانگیز در ما جان می‌گیرد و از همین روست که اشیا و آرایش رؤیت شده به دنبال خود، حماسه‌ای را به میان مردم می‌کشاند و روایت می‌کند. ما از طریق همین اشیا و فن تزیین آن به درون فاجعه برده می‌شویم. انسان معاصر گاه شده است که جمعیت عظیم را می‌شکافد تا به ذوالجناح برسد و پیشانی خود را بر گردن کشیده اسب بگذارد و زاری سر دهد. او در این لحظه با مصایب ذوالجناح یکی می‌شود، به همان گونه که در شب (شام غریبان) با شمع و آوای عاشقان در پس کوچه‌ها به دنبال دو طفل گمشده مسلم می‌گردد و انگار می‌خواهد اطفال گمشده را بجوید. شکل فیزیکی «شده» با تزیین بسیار و درخور تحسین هنگام پیدا شدنش با خضوع و مهربانی به جانب مردم می‌چرخد، نور می‌پراکند و بوی مخصوص شب عاشورا را مانند درخشش رنگ‌های مختلف، بر سر و روی مردم می‌پاشد. این شکل فیزیکی بسیار سنگین و صلیب مانند در بازوان مردان تنومند جان می‌گیرد و به رقص در می‌آید. رقصی شبیه هلهله هزاران زن که با کل وارونه به دستمال‌بازی و عزای سرپایی می‌پردازند.

مجموعه مراسم کتلی به نمایش آیینی و نیایشی باستان شباهت دارد. میزانسن و نحوه قرار داشتن، عماری‌ها، خونچه‌ها و مردم در این مراسم، ما را با تعزیه‌ای بسیار شکیل و در عین حال گیرا و جذاب روبرو می‌سازد».[۱۱]

با این حال تعزیه (شبیه‌خوانی) در بوشهر نسبت به سایر نقاط کشور شاخصه‌های منحصر به فرد و یگانه‌ای دارد. مهم‌ترین شاخصه‌ها عبارتند از:

الف) برجسته‌ترین نکته‌ای که در تعزیه بوشهر دیده می‌شود و در هیچ نقطه‌ای از مملکت همانندی ندارد حضور شبیه‌خوانان زن در نقش‌های زنان در مجالس تعزیه است. این نکته از دیرباز در تعزیه بوشهر وجود داشته و متعلق به مثلاً یک دهه اخیر نیست.

نکته جالب توجه آن که زنان در میادین تعزیه همچون مردان شبیه‌خوان، نسخه‌ها را به تحریر می‌خوانند. اما تفاوت میان آنها با شبیه‌خوانان مرد آن است که زنان چهره‌های خود را با روسری‌های مشکلی رنگ خود و یا با پارچه‌های سبز می‌پوشانند.
حضور زنان در مجالس تعزیه در دیاری که به شدت به مسایل مذهبی معتقدند جالب توجه است، چرا که زنان خود بر اساس یک نیت مذهبی دست به این کار می‌زنند.
حاج محسن گرانبها تعزیه‌گردان سالمند و پرسابقه محله ریشهر یکی از محلات قدیمی بوشهر در این باره معتقد است:
«اعتقاد به بازی مردان و جوانان در نقش زنان ندارم. به نظرم کار بسیار بدی است».
نکته قابل توجه در این باره آن که بازی در نقش زنان در تعزیه بوشهر تابع شرایط خاصی است و هر کسی نمی‌تواند شبیه‌خوانی کند.
آقای گرانبها در این باره می‌گوید:
«... شرط حضور زنان در تعزیه این است که از خانواده سادات باشند... حتماً باید سیده باشند... چرا که معتقدیم این سادات از نوادگان امام حسین (ع) هستند و من در جهان آخرت دیگر بازخواست نخواهم شد».
اما نکته مهم آن که صادق همایونی پژوهشگر برجسته تعزیه در اثر ارزشمندش «تعزیه در ایران» آورده است: «بوشهر تنها مکانی است که هنوز هم تعزیه زنانه در آن برگزار می‌شود»[۱].
برخلاف گفته جناب همایونی، بوشهر در طول بیش از ۲۵۰ سال عمر تعزیه‌اش، علیرغم حضور فعال زنان در مجالس روضه‌خوانی و مختک‌گردانی، نسخه‌خوانی در تعزیه، هرگز به شکل مستقل تعزیه زنانه نداشته است. سرانجام آن که در بیشتر مناطق استان بوشهر مجالس شبیه‌خوانی برگزار می‌شود، در همه این مجالس نقش زنان را همچون همه نقاط کشور مردان و جوانانی که صدای زیر دارند بازی می‌کنند. شبیه‌خوانی زنان تنها و تنها در مجالس تعزیه شهر بوشهر اتفاق می‌افتد.
ب) نحوه برگزاری تعزیه در استان بوشهر علیرغم کوچک بودن این استان به شدت با هم متفاوت است. مثلاً در شهر بوشهر تعزیه هرگز به شکل مجلس برگزار نمی‌شود و کلاً در ایام محرم و صفر تنها ۵ مراسم برگزار می‌شود: روز تاسوعا، روز عاشورا، روز سیزدهم محرم، روز اربعین و روز ۲۸ صفر، اما در سایر شهرستان‌های این استان قضیه متفاوت است؛ مثلاً در شهرستان جم و روستای زیارت تعزیه به شکل مجلسی و از روز اول محرم آغاز می‌شود و در ایام مختلف سال به مناسبت‌های مختلف مجالس تعزیه برگزار می‌شود.
ج) طراحی لباس شبیه‌خوانان در بوشهر ارتباط مستقیمی با وقایع تاریخی‌ای که در آن بندر رخ داده است، دارد. بندر بوشهر به خاطر موقعیت خاص استراتژیکی‌اش چندین بار مورد هجوم بیگانگان قرار گرفته و مدت مدیدی در اشغال نظامیان انگلیسی بوده است. طراحی لباس شبیه‌خوانان تعزیه در بوشهر بر اساس طراحی لباس افسران نظامی انگلیس صورت گرفته است. دلیل بارز این نکته آن است که انگلیسی‌ها در بوشهر در

محله کوتی سکونت داشتند، محله کوتی نیز یکی از محلات قدیمی بوشهر است که در آن تعزیه برگزار می‌شده و می‌شود، زنده‌یاد اصغر چالی که تعزیه گردانی را از پدرش مرحوم حسین چالی به ارث برده بود در این محل زندگی می‌کرد، او خیاط ماهری بود و نه تنها برای محله خود بلکه تمام لباس‌های تعزیه محلات مختلف را می‌دوخت. چالی طراحی لباس‌ها را بر اساس طراحی لباس افسران انگلیسی تغییر داد و آنها را دوباره دوخت. امروزه تمام تعزیه‌های بوشهر چنین طراحی‌ای دارند، اما طراحی لباس‌های تعزیه در شهرستان‌ها و روستاهای استان این گونه نیست.

د) در شهر بوشهر و کلیه نقاط این استان که تعزیه برگزار می‌شود هرگز مکانی به نام «تکیه» یا هر محل سربسته دیگری که محل اجرای تعزیه باشد نبوده است. همه مجالس تعزیه در استان بوشهر در میدان‌های وسیع و باز انجام می‌شده و می‌شود. دلیل عمده انتخاب این میادین آن است که یکی از شاخصه‌های مهم تعزیه این دیار تاخت و تاز با اسب و جنگ و جدال و شمشیربازی در هنگام اسب‌سواری است. به همین دلیل تکایا برای این جلوه مهم و نمایشی محیطی محدود بود. جالب آن که در میان توده شبیه‌خوانان برجسته کسانی هستند که می‌توانند در حین اسب‌سواری رجزخوانی کنند. نکته دیگر آن که محل اجرای تعزیه در زبان عامیانه علیرغم کاربری فراوان آنها به میدان تعزیه مشهورند و برخی از آنها سند مخصوص «اجرای تعزیه» دارند. مشهورترین میدان تعزیه در بوشهر میدانی است مشهور به «میدان ننه اصغر».

هـ) در بندر بوشهر معماری و بافت سنتی ارتباط مستقیمی با اجرای تعزیه‌ها دارد. دلیل عمده آن این است که میدان‌های تعزیه در دل بافت سنتی قرار دارند و با توجه به شکل خاص معماری بوشهر، شبیه به یک تکیه عمل می‌کنند چرا که در هنگام اجرای تعزیه مردم در چند سطح مختلف: نشسته دور میدان، ایستاده دور میدان، نگاه کردن از پشت پنجره‌ها، نشستن بر ایوان‌های مشرف به میدان و بالاخره پشت‌بام‌ها، تعزیه را نگاه می‌کنند.

و) بررسی نسخه‌های تعزیه در استان بوشهر نشان می‌دهد که این نسخه‌ها علاوه بر شعر و نظم، جملات نثر بی‌شمار دارند. هر چند ریشه‌شناسی این نسخه‌ها به دلیل عدم نگارش تاریخ و نویسنده ما را به جایی نمی‌رساند، اما عده‌ای از اهالی تعزیه در استان بوشهر بر این اعتقادند که این نسخه‌ها وارداتی‌اند؛ یعنی از سایر نقاط کشور وارد استان شده‌اند. اما نکته واضح و مبرهن آن که تعزیه‌گردانان خود اشعار و جملاتی به نظم یا به نثر به نسخه‌ها اضافه کرده‌اند.

طبق گفته حاج محسن گرانبها کتاب‌های جوهری، جدی و روضه الشهدا منابع آنها برای سرودن اشعار بوده است.

ن) یکی دیگر از شاخصه‌های مهم در تعزیه بوشهر (که در این سال‌ها دیده نمی‌شود) آن است که تعزیه روز عاشورا را بر اساس خود واقعه تاریخی عاشورا، نزدیک به ظهر برگزار می‌کردند. این مجلس طوری تنظیم شده بود که مردم نماز ظهر عاشورا را در خود میدان تعزیه و به همراه شبیه‌خوانان مجلس به جماعت می‌خواندند تا به نوعی یادآور نماز ظهر عاشورای امام غریبشان باشند.

## ـ تخته حوضی

یکی دیگر از نمایش‌های اصیل ایرانی که همگام و همپای تعزیه در جامعه ما رشد و نمو پیدا کرد نمایش تخته‌حوضی بود. «تخته حوضی» روی دیگر سکه‌ای بود که یک‌سویش تعزیه بود. تعزیه به خاطر مذهبی بودنش همواره مقدس بوده و نمایشگرانش مورد عزت و احترام بوده‌اند؛ اما متأسفانه تخته حوضی به دلیل این که ریشه در رقص و موسیقی داشته و همواره در درون خود طنز گزنده، سیاسی و نقادانه‌ای داشته، به عنوان هنری نجیب شناخته نشده است و نمایشگرانش را همواره با القابی چون مطرب‌ها، دلقک‌ها، دوره‌گردها صدا زده‌اند...».[۱۳]

در بوشهر پیش از آن که به تخته‌حوضی برسیم، نمایش‌های شاد و کمیکی وجود داشته که مردم معمولاً در مراسم شادی آنها را اجرا می‌کرده‌اند. روشن است که در آن نمایش‌ها نه اجراکنندگان دغدغه «نمایش» داشته‌اند و نه خود نمایش بار تئاتری قوی داشته است. اما نیت «بازی» و سرگرمی، مردم را به طرف این نمایش‌ها می‌کشانده است. نکته مهم دیگر درباره نمایش‌های شاد در بوشهر آن که مردم این سامان مردم شوخ‌طبع، ظریف و اهل خنده هستند. و به همین دلیل به این مسایل اهمیت فوق‌العاده نشان می‌دادند هر چند به مرور زمان شرایط و جریانات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به سمت و سویی رفت که امروز خنداندن آدم‌های جنوب کار ساده‌ای نیست.

رشد نمایش‌های کمیک در بوشهر که مشهورترین شکل نمایشی آن را می‌توان در نمایش به نام «کلیدم محک رفته» پیدا کرد که سرانجام به تخته حوضی می‌رسد. ترکیبی که به جز اهل فن در بوشهر هیچ کس این اصطلاح را استفاده نمی‌کند چرا که توده مردم این شکل نمایشی را تنها به نام «سیاه‌بازی» می‌شناسند.

نمایش «کلیدم محک رفته» (کلیدم گم شده) به روایتی از دوره قاجاریه در بوشهر اجرا می‌شده است.

«در این نمایش ارباب با خصوصیاتی که معمولاً در نمایش‌های کمیک دیده می‌شود، با همان لباس مخصوص و حرکات موقر و مبالغه‌آمیز، با چوب‌دستی، کلاه‌لگنی، کت و شلوار نیمدار و گیوه آبادی، در کنارش نوکر «قنبر» تیپ قدیمی و غیرقابل تغییر، در لباس ململ سفید، جلیقه سیاه و شلوار دبیت مشکی، عرق‌چین سفید، مقابل ارباب زبان‌درازی

می‌کند و با حرکاتی مضحک و آکروباتیک باعث خنده و نشاط حاضران در مجلس می‌شود. ارباب در بیرون از منزل منتظر است تا نوکر باوفایش در خانه را به روی او بگشاید. مضطرب است و مدام نوکر را با الفاظی رکیک مخاطب قرار می‌دهد و به باد ناسزا می‌گیرد. در ضمن او با خود مشکلی دارد که باید هر چه زودتر خود را به داخل منزل برساند. نوکر در بیان جملات الکن است و کلید خانه را که قبلاً زیر حصیر نرمه گذاشته، گم کرده است. حالا با دستپاچگی و حرکاتی کمیک به این طرف خانه می‌دود و مدام می‌گوید که همین حالا در را باز خواهد کرد. نمایش درست در میان تماشاگران به اجرا در می‌آید. نمایش در اوج حرکات و کلام تبدیل به یزله می‌شود، دست‌زدنی که هم بازیگران و هم تماشاگران در آن شریک هستند. در حالی که نوکر و ارباب مدام فریاد می‌زند: کلیدم محک رفته و دیگران جواب می‌دهند: همین جا شی خاک رفته، مرتب جایشان را عوض می‌کند و به دنبال کلید، خاک خانه را وارسی می‌نمایند. نمایش عاقبت با پیدا شدن کلید و آمدن ارباب به داخل خانه و ادامه یزله تا نقطه اوج پی گرفته می‌شود و ریتم‌ها مدام عوض می‌گردند. در حالی که همه سازهای موجود در مجلس می‌نوازند».[14]

به هر ترتیب رشد این نمایش‌ها در بوشهر به سیاه‌بازی می‌رسد. «سیاه‌بازی» بوشهر نیز چون تعزیه‌اش خصلت‌های خاصی بومی دارد. ایرج صغیری در این باره معتقد است که «یکی از خصایص فرهنگی این دیار این است که هر مقوله فرهنگی را تا متناسب با اقلیم خود نکند نمی‌پذیرد».[15]

«برجسته‌ترین ویژگی سیاه‌بازی در بوشهر آن است که تنها یک داستان محور همه سیاه‌بازی‌هاست».[16] تنها تفاوت میان آنها محیط بازی و متفاوت بودن بازیگران است.

این داستان این گونه است که «مرد ثروتمندی که تاجر است و او را آقا می‌نامند در آستانه سفر تجارتی، همسر زیبا و جوان خود را با سفارشات اکید به دست نوکر خود سیاه نمایش (که معمولاً یاقوت، مبارک و یا فیروز است) می‌سپارد که از هر حیث از «بی‌بی» خود مواظبت کند، و خود به سفر می‌رود. بعد از رفتن آقا، خانم که (همیشه یک مرد نقش آن را بازی می‌کند) از مزه‌پرانی‌های سیاه و احساسات انسان‌دوستانه وی خوشش آمده و به او نزدیک می‌شود. بعد از مدتی، آقا که از سفر باز می‌گردد خانم را باردار می‌بیند. خشمگین شده، دکتر می‌آورد، خانم که می‌زاید بچه سیاه است و این موضوع حوادث تازه و خنده‌آور زیادی ایجاد می‌کند. سرانجام نمایش با موفقیت سیاه و خانم و تسلیم شدن آقا پایان می‌یابد».[17]

اگر ریشه‌یابی اصطلاح تخته حوضی را به نمایش سیاه‌بازی بپذیریم که در آغاز به علت گذاشتن تخته‌هایی رو حوض وسط حیاط خانه، صحنه نمایش درست می‌کرده‌اند و سپس تعدادی از عمارت‌های بافت قدیم بوشهر را بررسی کنیم آن گاه متوجه نکته‌ای غریب، زیبا، جذاب و باورنکردنی می‌شویم مبنی بر این که در این حیاط‌ها سطحی نسبتاً کوتاه، به شکل مربع یا پلکان دور تا دور وجود دارد که گویی تنها و تنها معمار، آن را برای اجرای نمایشی سیاه‌بازی درست کرده است. مکان‌هایی که به دلیل نبود هیچ گونه سندی در این باره نمی‌توان کارکرد نمایشی به آنها الصاق کرد.

نمایش‌های شاد و سیاه بازی در قدیم در بوشهر در ایوان خانه‌ها انجام می‌شده است. نکته قابل توجه آن که اهالی بوشهر می‌دانستند برای دیدن سیاه‌بازی باید به کدام محل و به خانه چه کسی بروند. سالمندان این دیار معتقدند که در قدیم مراسم عروسی وجود نداشته است که در آن سیاه‌بازی اجرا نشده باشد.

سیاه‌بازی در بوشهر پس از چندین دهه اجرا در ایوان خانه‌های قدیمی، اواخر دهه چهل به سالن‌های نمایش کشانده شد و تا اواسط دهه ۵۰ رونق یگانه‌ای داشت اما پس از این دهه آرام آرام به خاموشی مطلق رفت. تعزیه با تمام تغییر و تحولاتش ماند و به روزگارش ادامه داد اما سیاه‌بازی تنها خاطراتش در سینه سالدارانی ماند که امروزه عصا به دست، کوچه پس کوچه‌های باریک بافت قدیم را با سلام و صلوات طی می‌کنند بی‌آن که نوجوانان بازیگوش این کوچه‌ها بدانند صاحبان این عصاها روزگاری خستگی را از گرده بندری که همواره زیر شلاق موج‌ها خستگی در جانش ریشه کرده بود، می‌رهانده‌اند.

## گفتگوها

حاج محسن گرانبها (تعزیه‌گردان قدیمی بوشهر) ۷۵ ساله
ایرج صغیری (کارگردان تئاتر / تعزیه‌گردان قدیمی) ۶۱ ساله
زنده یاد اصغر چالی (تعزیه‌گردان / بازیگر نمایش‌های کمیک در منازل)
زنده یاد عبدالمحمد چکرازاده (بازیگر نمایش‌های کمیک در منازل)

---

۱ ـ صالح‌پور، اردشیر؛ آیین‌های نمایشی جلوه‌های هویت دینی؛ ص ۱۰۰ (از کتاب نمایش و ماورا (مجموعه مقالات))، به کوشش منوچهر اکبرلو، تهران: نشر حوا، ۱۳۸۵.
۲ ـ بلوکباشی، علی؛ تعزیه‌خوانی حدیث قدسی مصایب در نمایش؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳، ص ۴۸.
۳ ـ زن ـ اسطوره و هنر (میزگرد)؛ کتاب ماه هنر، ش ۴۷ـ۴۸ مرداد و شهریور ۱۳۸۱، ص ۶.
۴ ـ همان، ص ۱۴.
۵ ـ بلوکباشی، علی؛ ص ۱۴۵.
۶ ـ همان، ص ۱۴۶.
۷ ـ ناصربخت، محمدحسین؛ شبیه‌خوانی هنر مقدس؛ فصلنامه تئاتر، ش ۴ـ۵، پاییز/ زمستان ۱۳۷۸، ص ۱۵۷.
۸ ـ بیضایی، بهرام؛ نمایش در ایران؛ تهران: چاپ کاویان، ۱۳۴۴، ص ۱۱۴.
۹ ـ یاراحمدی، جهانشیر؛ نمایش در بوشهر از آغاز تا امروز؛ تهران: دریا نور، ۱۳۸۴، ص ۵۶.
۱۰ ـ احمدی، ریشهری، عبدالحسین؛ سنگستان ـ ۳؛ شیراز: نوید شیراز، ۱۳۸۰، ص ۲۸۲.
۱۱ ـ آرام، احمد؛ نگاهی به مراسم سینه‌زنی در بوشهر؛ فصلنامه آینه‌ها، ش ۲ـ۳، ۱۳۷۹، ص ۷.
۱۲ ـ همایونی، صادق؛ تعزیه در ایران؛ تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۵.
۱۳ ـ یاراحمدی، جهانشیر، ص ۵۱.
۱۴ ـ دهقانی، حسین؛ ریشه‌های نمایش کمیک در بوشهر؛ هفته‌نامه نسیم جنوب، ویژه‌نامه نوروزی، ۱۳۷۸، ص ۲۹.
۱۵ ـ صغیری، ایرج؛ روحوضی در بوشهر؛ هفته‌نامه نسیم جنوب، ش ۲۵، ۱۳۷۸، ص ۴.
۱۶ ـ همان، ص ۴.
۱۷ ـ همان، ص ۴.